

۱۳۸۵۱۲۳

برگزینان

www.ketab.ir

سرشناسه	:	اسلامی، ندوشن، محمدعلی، ۱۳۰۴
عنوان و نام پدیدآور	:	برگریزان / محمدعلی اسلامی ندوشن
مشخصات نشر:	:	تهران، یزدان، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	:	۱۷۲ ص
شابک	:	۱۲۰۰۰۰ ریال؛ ۳۸-۰۰-۶۵۴۵-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
موضوع	:	مقاله‌های فارسی -- قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۹۴ پ ۴۸۹ س / PIR ۷۹۵۳
رده‌بندی دیویی	:	۴۲/۴ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۱۰۶۳۰۶



برگریزان

نام کتاب	:	برگریزان
نویسنده	:	دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن
نوبت چاپ	:	اول
تیراژ	:	۱۰۰۰ نسخه
تاریخ انتشار	:	۱۳۹۴
حروف‌نگاری جدید	:	مؤسسه مه‌راد
لیتوگرافی و چاپ	:	گل‌بان
صحافی	:	سعید
شابک	:	۳۸-۰۰-۶۵۴۵-۹۶۴-۹۷۸
قیمت	:	۱۴۰۰۰ تومان

انتشارات یزدان: تهران- بلوار کشاورز- شماره ۲۲۰- تلفن: ۸۸۹۶۶۶۱۶

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست

مقدمه

۵	اشاره.....
۷	برخی از ویژگی‌های تاریخ ایران.....
۱۷	تأملی دربارهٔ صلح و تکامل انسانی.....
۲۹	این «ایرانی» که ما می‌شناسیم.....
۳۵	زبان فارسی.....
۴۹	ز نیرو بود مرد را راستی.....
۵۳	کاروان در کاروان.....
۶۱	فراز و فرود جهان امروز.....
۶۷	نقش خرافه در زندگی.....
۷۳	به ایران بیندیشیم.....
۷۹	شیخ اجل بر سر دو راهی.....

۸۷	جهان سر درگم
۹۵	کفر و دین
۹۹	سایه روشن‌های باغ «آرزو»
۱۰۵	کتاب
۱۰۷	نامه به فرزندان
۱۲۳	یک گفت و شنود
۱۲۵	بار دیگر برنیزیم
۱۳۵	در چند و چون زبان، ادب و فرهنگ فارسی
۱۵۳	چند یادداشت
۱۶۳	سفرهای فرهنگی نویسنده
	آثار دیگر نویسنده

اشاره

هیچ راهی نیست کاو را نیست پایان غم مخور

«حافظ»

نام این کتاب را «برگزیزان» نهادیم، زیرا بوی پائیز از آن می آید و به احتمال زیاد آخرین کتابی است که از این نویسنده به انتشار گذاشته می شود. «برگزیزان» فصل خزان است، در عین حال فصل بهار و میوه نیز هست؛ چه، در این فصل است که هر درخت بار خود را بر زمین می گذارد. هرکسی در زندگی تکیه گاهی می جوید تا بتواند بر روی خاک تعادل خود را حفظ کند. برای من این تکیه گاه قلم بود، و در مصاحبت آن ساعت های سرشاری را گذراندم.

روزی جوانی نزد من آمد و گفت من سه بار قصد خودکشی کردم و مرا نجات دادند. بعد با نوشته های شما آشنا شدم، و دیگر تصمیم

دارم که این کار را تکرار نکنم. حرف این جوان برای من خوشترین اجرای بود که از قلم خود می‌گرفتم.

اکنون در این «برگریزان» عمر وقت آن است که از خوانندگان وفادار خود سپاسگزاری و خداحافظی کنم. کسانی که طی بیش از پنجاه سال با آنها دست در دست، روان به سوی امید و انتظار بوده‌ایم، در جست‌وجوی فردائی روشن‌تر، و هنوز هم در راهیم. با این همه، در این روزگار بی‌فریاد به همراه حافظ بگوئیم.

گرچه منزل بس خصک است و مقصد بس بعید

هیچ راهی نیست کاه را نیست پایان غم مخور

م.ع.الف.ن

دی ۱۳۹۴